

تاریخ دریافت مقاله: ۸۲/۷/۲۷

تاریخ بررسی مقاله: ۸۳/۸/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۴/۹/۴

مجله علوم تربیتی و روانشناسی
دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۸۴
دوره سوم، سال دوازدهم، شماره ۲
ص ص: ۲۵-۴۶

بررسی تأثیر آموزش گروهی مهارت‌های اجتماعی در سازگاری فردی- اجتماعی نوجوانان بزهکار در شهرستان گنبد کاووس

دکتر یوسفعلی عطاری *

دکتر منیجه شهنی ییلاق *

عاشورمحمد کوچکی **

کیومرث بشلیده *

چکیده

پژوهش حاضر از جمله پژوهش‌های آزمایشی میدانی با طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه گواه است که به منظور بررسی تأثیر آموزش گروهی مهارت‌های اجتماعی در سازگاری فردی- اجتماعی نوجوانان بزهکار در بند ۳ ندامتگاه شهرستان گنبد کاووس انجام شده است. ۴۰ نفر نوجوان زیر ۱۸ سال به صورت تصادفی ساده از میان جامعه پژوهش انتخاب و به شیوه تصادفی ساده به دو گروه ۲۰ نفری گمارده شدند. قبل از انجام مداخله آزمایشی (ارائه متغیر مستقل) دو گروه با استفاده از پرسشنامه شخصیتی کالیفرنیا (CTP) پیش‌آزمون شدند. سپس گروه آزمایشی به مدت ۱۰ جلسه یک ساعته تحت آموزش مهارت‌های اجتماعی به صورت گروهی قرار گرفت (مهارت‌ها رفتارهای مربوط به خود، رفتارهای مربوط به دیگران، رفتارهای مربوط به محیط و رفتارهای مربوط به کار). یک هفته پس از انجام مداخله بار دیگر هر دو گروه با استفاده از آزمون (CTP) پس‌آزمون شدند. نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری بر روی تفاضل نمره‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون نشان داد که: نوجوانان بزهکار گروه‌های آزمایشی و گواه از لحاظ ۱۲ خرده‌مقیاس آزمون سازگاری فردی- اجتماعی کالیفرنیا (CTP) متفاوتند. در نهایت، یافته‌ها گواه آن است که آموزش مهارت‌های اجتماعی (مداخله درمانی) باعث افزایش سازگاری فردی و اجتماعی در نوجوانان بزهکار شهرستان گنبدکاوس می‌شود.

کلیدواژگان: آموزش مهارت‌های اجتماعی، سازگاری فردی، سازگاری اجتماعی، بزهکاری

*- عضو هیأت علمی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

** - کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشگاه شهید چمران

مقدمه

همچنین، به نظر می‌رسد که به علت تحولات عظیمی که در زندگی انسان معاصر به وقوع پیوسته است شمار زیادی از کودکان و نوجوانان دچار مشکلات سازگاری اجتماعی، رفتاری و عاطفی هستند. بدین سان، ضرورت برنامه‌ریزیهای مربوط به آموزش مهارتهای اجتماعی بیشتر آشکار می‌شود و بر والدین، مربیان و معلمان است که آگاهیهای لازم را از این برنامه‌ها به دست آورند. اجتماعی کردن صحیح کودکان، به عنوان یکی از اهداف مهم تعلیم و تربیت، چنین ضرورتی را بیشتر آشکار می‌سازد.

بزهکاری^۱

اصطلاح نوجوانان بزهکار به گروه بسیار نامتجانسی از افراد خطا کار دلالت می‌کند که به لحاظ روان‌شناختی تفاوت‌های زیادی بین آنها وجود دارد، در حالی که، از نظر حقوقدانان، جامعه شناسان و مربیان تعلیم و تربیت نوجوانان بزهکار گروه معین و مشخصی از افراد را تشکیل می‌دهند. از نظر روانشناسی، گروه بزهکاران در شمار یکی از گروه‌های متعدد ناسازگاران اجتماعی^۲ است. به این معنی که در چهارچوب یک اجتماع و یا حتی یک گروه، بعضی افراد می‌توانند خود را تابع قواعد

مسأله بزهکاری نوجوانان یک مشکل واقعی در جامعه ماست. قطع نظر از اینکه میزان و شدت بزهکاری هر روز بیشتر شود و یا بدون تغییر بماند، باید برای از بین بردن شرایط و موقعیتهای جرم‌زا در حد امکان چاره‌ای اندیشید. به عبارت دیگر، بزهکاری امروز نوجوانان می‌تواند عامل جرائم فردای بزرگسالان باشد، مگر آنکه برای پیشگیری از آن اقدام جدی به عمل آید. به راستی برای پیشگیری و یا درمان این بیماری اجتماعی نوجوانان چه باید کرد؟

بدون تردید جامعه برای هر بزهکار متحمل هزینه‌های مادی و معنوی سنگینی می‌شود و بدین ترتیب هر سال میلیونها تومان در ایران برای اصلاح و تربیت نوجوانان بزهکار در کانونهای اصلاح و تربیت صرف می‌شود. در حالی که، در این کانونها موارد متعددی دیده می‌شود که نوجوان بزهکار برای چندمین بار به علت تکرار جرم و یا ارتکاب جرائم دیگر به این کانونها فرستاده می‌شود. این نشان می‌دهد که راهکارهای جاری در این مراکز خیلی اثربخش نیستند.

از طرف دیگر، روشهای آموزش مهارتهای اجتماعی توسط محققان برای سنین مختلف یعنی از کودکان پیش دبستانی گرفته تا بزرگسالان و هم چنین برای افرادی که اختلالات رفتاری دارند برنامه‌ریزی شده است.

^۱ - delinquency

^۲ - social maladjusted

فراهم می‌سازد. در میان رفتارها و اعمال خصمانه رفتارهایی وجود دارند که ما آنها را غیراخلاقی و غیراجتماعی می‌دانیم و از آنها به عنوان رفتارها و یا اعمال بزهکارانه یاد می‌کنیم.

پیشگیری و درمان بزهکاری

برای برخورد با بزهکاریهای نوجوانان، باید ابتدا عوامل ایجاد کننده آنها را شناسایی کرد. بزهکاریها مشکلاتی نیستند که بیست و چهار ساعته ایجاد شده باشند تا برای آنها راه‌های کوتاهی کوتاه، آسان و سریع وجود داشته باشد. سازمان بهداشت جهانی، مخرج مشترک معالجه و درمان نوجوانان بزهکار را عبارت از کسب احساس ایمنی مجدد برای آنان می‌داند تا در نتیجه این ایمنی، بتوانند روابط قابل اطمینان و محبت‌آمیزی با دیگران داشته باشند (احمدی، ۱۳۷۷). نوجوان بزهکار بیش از هر نوجوانی با مسائل ناگوار و حاد در هدایت و موجودیت خویش روبروست. اضطراب او بیشتر و دشمنی و عداوتش قوی‌تر است. رفتار بزهکاری در بسیاری از موارد راه حلی است که نوجوان در اختیار دارد. وقتی چنین باشد، راه حل عبارت از کمک به بزهکار در شناخت خویش و محیط است. در برنامه اصلاح و تغییر رفتار بزهکاران می‌توان از شیوه‌های زیر استفاده کرد:

و ممنوعیت‌های مورد قبول آن اجتماع و یا گروه سازند، در حالی که بعضی افراد دیگر فاقد چنین ظرفیتی هستند. افرادی که به این تبعیت تن در نمی‌دهند گروهی را تشکیل می‌دهند که از نظر روانی متجانس نیستند ولی در عین حال مکانیزم رفتار آنها را می‌توان بر اساس مفاهیم روانشناختی روشن ساخت. بزهکاران در شمار افراد این گروه هستند. البته ناگفته نماند که همه ناسازگاران بزهکار نیستند، چه در یک اجتماع تمام قوانین و ممنوعیتها نمی‌توانند لزوماً مورد احترام و رعایت همگان باشند. در پدیده بزهکاری هم عامل زیستی، هم عامل روانی و هم عامل اجتماعی دخالت دارند. در اینجا باید متذکر شویم که هر متخصصی در تبیین و علت‌شناسی پدیده بزهکاری مسأله را از دید تخصصی خود نگاه می‌کند و لذا اختلاف دیدگاهها و اختلاف نظرها به وجود می‌آید.

با وجود اختلاف نظر بین متخصصین، با اندکی تسامح می‌توانیم بپذیریم که ریشه جرم و جنایت در انسان احساس نایمنی است که در تمامی بزهکاران وجود دارد. حال فرقی نمی‌کند که عامل اصلی یک نقص جسمانی باشد یا نارسایی دستگاه عصبی و یا عدم تکامل شخصیت فرد. احساس نایمنی در فرد منجر به بروز دلهره و اضطراب می‌شود. این اضطراب باعث می‌شود که در فرد نوعی تنش ایجاد شود که زمینه اقدام به اعمال خصمانه را

۱۳۷۵). آموزش مهارت‌های اجتماعی تکنیکی است که از طریق آن افراد می‌آموزند که چگونه آرام باشند و در موقعیت‌های مختلف به طور مناسب و خوشایند ارتباط برقرار سازند. آموزش مهارت‌های اجتماعی بخشی از برنامه‌های تعدیل رفتار است و به منظور اصلاح رفتارهای ناسازگار به کار گرفته می‌شود.

سیورد و سیپواک^۹ (۱۹۸۰)، به نقل از سخندان توماج، (۱۳۸۰) در مرکز بهداشت روان در فیلادلفیا چنین مطرح کرده‌اند که بسیاری از مشکلات مربوط به ناسازگاری رفتاری که کودکان با آن روبرو هستند احتمالاً تا حدودی نتیجه کمبود مهارت‌های شناختی - اجتماعی در حل مسائل بین اشخاص است. به این معنا که کودکان پرخاشگر یا تکانشی یا کودکانی که از دیگران ترس بسیار دارند ممکن است مهارت‌های اساسی ادراک دیگران، کنار آمدن با روابط بین اشخاص را نداشته باشند. این دو محقق برای بسیاری از گروه‌های سنی آموزش مهارت‌های اجتماعی - شناختی را ترتیب داده‌اند. یکی از خصوصیات کودکانی که بزهکارند یا رفتار ناسازگار دارند این است که نمی‌توانند دیدگاه دیگران را در نظر بگیرند. چنین کودکانی غالباً فاقد انواع مهارت‌های لازم

۱. مشاوره خانوادگی^۱

۲. مشاور فردی^۲

۳. مشاوره گروهی^۳

۴. رفتار درمانی^۴

۵. آموزش مهارت‌های اجتماعی^۵

البته درمان‌های دیگری از قبیل اصلاح محیط‌های آموزشی، کار درمانی، بازتوانی، و اصلاح اجتماعی نیز به عنوان درمان‌هایی برای بزهکاری معرفی شده‌اند اما لازم به ذکر است که مطلب مهم‌تر از درمان و پیشگیری است.

مهارت‌های اجتماعی و بزهکاری

به طور کلی مهارت‌های اجتماعی به رفتارهایی گفته می‌شود که شالوده ارتباطات موفق و رو در رو را تشکیل می‌دهند (هارجی، ساندرز و دیکسون^۶، ۱۹۹۹؛ ترجمه بیگی و فیروزبخت، ۱۳۷۷). رشد مهارت‌های اجتماعی بخشی از جریان اجتماعی شدن فرد است و هر گونه آموزشی در این زمینه باید در خصوص اجتماعی شدن فرد صورت گیرد (کارتلیج^۷ و میلبرن^۸، ترجمه نظری نژاد،

^۱ - family counseling

^۲ - individual counseling

^۳ - group counseling

^۴ - behavior therapy

^۵ - social skills training

^۶ - Harje, Sanunders, & Dickson

^۷ - Cartledge

^۸ - Milbrn

^۹ - Seevord & Sypovak

ارزشهای نوجوانان با کفایت اجتماعی آنها رابطه داشتند. کفایت اجتماعی رفتارهای بزهکارانه را پیش‌بینی می‌کند در حالی که ارزشها و اهداف با گزارش معلمین از مشکلات رفتاری بیرونی رابطه نشان می‌دهند. این یافته‌ها پیشنهاد می‌کنند که مداخله‌های کفایت اجتماعی، اهداف اجتماعی، انتظارات مؤثر و ارزشهای شرکت کنندگان را مشخص می‌کنند.

چندلر^۲ (۱۹۸۳) برنامه‌ای برای خلافکاران جوان مذکر تهیه کرده است که آنان را تشویق می‌کند دیدگاه دیگران را در مورد خودشان بررسی کنند و بر همین اساس به ایفای نقش بپردازند. بررسی وی موفقیت بالینی زیادی به همراه داشت و خلافکاران جوان را وادار به ایفای نقشهایی کرد که اجتماع‌پذیر بودند.

چالمرز و تانسند^۳ (۱۹۹۰) برنامه موفق مشابهی را در مورد بررسی دیدگاه اجتماعی دیگران بر روی بزهکاران مؤنث اجرا کردند. در مورد آموزش مهارت‌های اجتماعی بر روی خلافکاران جوان و جوانانی که در شرف بزهکاری هستند، پیشینه علمی قابل توجهی وجود دارد (هربرت^۴، ۱۹۷۶؛ هالین^۵، ۱۹۹۰؛

ارتباطی در اجتماع از قبیل توانایی به حساب آوردن دیگران هستند.

در حقیقت، آموزش مهارت‌های نحوه برقراری ارتباط با دیگران از طریق ایفای نقشهای مختلف و تقویت نقشهای سازنده و مثبت انجام می‌پذیرد. گاهی سپردن مسئولیتها و درگیر ساختن بزهکاران با راه‌حلهایی که به نفع آنان تمام می‌شود به کسب مهارت‌های اجتماعی می‌انجامد و نهایتاً بزهکار را برای رفتن به جامعه و پذیرفتن مسئولیت اصلی و حقیقی خویش آماده می‌سازد (احمدی، ۱۳۷۷).

آرتور و کوپر مینک^۱ (۱۹۹۱) مطالعه‌ای را تحت عنوان «کفایت اجتماعی رفتارهای ضد اجتماعی نوجوانان را پیش‌بینی می‌کند» انجام دادند. هدف این مطالعه بررسی رابطه بین متغیرهای کفایت اجتماعی، اهداف اجتماعی، انتظارات مؤثر، ارزشهای نوجوانان و رفتارهای ضداجتماعی آنها می‌باشد. در این مطالعه ۸۰ نوجوان پسر شرکت داشتند که فرم کوتاه سیاهه مشکلات نوجوانان و مقیاس خود-گزارش دهی رفتار بزهکارانه را تکمیل کردند. معلمان آنها نیز یک فهرست علامتگذاری رفتاری را در مورد آنها تکمیل کردند. بررسی نتایج تحلیلهای همبستگی و رگرسیون نشان دادند که اهداف اجتماعی، انتظارات مؤثر و

^۲ - Chandler

^۳ - Chalmerss, & Townsend

^۴ - Herbert

^۵ - Halleen

^۱ - Arthur, & Kuperrninc

نشانیگان عصبی، روابط اجتماعی، روابط مدرسه‌ای، روابط خانوادگی، علایق ضداجتماعی، مهارت‌های اجتماعی و قالب‌های اجتماعی) در نوجوانان بزهکار می‌شود.

روش

جامعه آماری این پژوهش را تمام نوجوانان بزهکاری تشکیل می‌داد که زیر ۱۸ سال بودند و در ندامتگاه شماره ۳ شهرستان گنبدکاووس به سر می‌بردند. تعداد افراد نمونه این پژوهش ۴۰ نفر از بزهکارانی است که در ندامتگاه شماره ۳ شهرستان گنبدکاووس زندگی می‌کنند که به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. به این ترتیب که ابتدا سیاهه اسامی مددجویان از مسئول مربوط گرفته شد و با استفاده از جدول اعداد تصادفی تعداد ۴۰ نفر انتخاب شدند. آنگاه، این تعداد نیز به همان روش در دو گروه آزمایشی و گواه جای داده شدند. قبل از شروع برنامه آموزشی تمام آزمودنیها در یک زمان مورد آزمون قرار گرفتند. به عبارت دیگر، پیش آزمون در یک شرایط زمانی برای هر دو گروه اجرا شد. سپس برنامه آموزش مهارت‌های اجتماعی (متغیر مستقل) روی آزمودنیهای گروه آزمایشی به مدت ۱۰ جلسه یک ساعته (۶۰ دقیقه‌ای) در ۵ هفته متوالی اجرا شد. برنامه آموزشی به کار برده شده در این پژوهش از فهرست برنامه آموزش مهارت‌های اجتماعی برای کلاس توسط

اسپنس و مارزیلیر^۱، ۱۹۸۱، ترجمه فیروزبخت، (۱۳۷۸). هندرسون و هالین^۲ (۱۹۸۳) پس از مرور ۱۵ مطالعه در مورد آزمایش مهارت‌های اجتماعی به خلافکاران خردسال نتیجه گرفتند که متخصصان بالینی و مجریان آموزشها باید بدانند این فن محدودیتهایی دارد. به عنوان مثال، نمی‌توانند «علل بزهکاری» را معالجه کنند. فنون آموزش مهارت‌های اجتماعی از برخی جهات مانع رشد خلافکاران خردسال و نوجوان می‌شود (ترجمه فیروزبخت، ۱۳۷۸).

فرضیه‌های پژوهش

در پژوهش حاضر، ابتدا ۱۲ حیطه سازگاری فردی- اجتماعی آزمون شخصیتی کالیفرنیا (CTP) به وسیله تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) مورد آزمون قرار گرفته‌اند و سپس تک تک حیطه‌های سازگاری فردی- اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرند، که به جهت اختصار و پرهیز از تکرار، فرضیه‌های فرعی در پرانتز آورده می‌شود.

۱. آموزش مهارت‌های اجتماعی باعث بهبود مؤلفه‌های سازگاری فردی- اجتماعی (اعتماد به نفس، درک ارزش خویش، آزادی فردی، احساس وابستگی، تمایلات واپس‌زده،

^۱ - Spence & Marzeeler

^۲ - Henderson & Halleen

استفنزا^۱ (۱۹۷۸) برگرفته شده بود که گستره سنی وسیعی را در بر می‌گیرد و به گروه خاصی محدود نمی‌شود. این برنامه با حفظ چارچوب کلی آن بر اساس شیوه زندگی در محیط پژوهشی توسط پژوهشگر تغییر داده شده است. در این فهرست، رفتارها به چهار دسته عمده تقسیم می‌شوند: رفتارهای مربوط به خود، رفتارهای محیطی، رفتارهای بین اشخاص و رفتارهای مربوط به کار. عناوین رفتارهای دسته‌های فرعی عبارتند از:

۱. رفتارهای مربوط به خود

*مراقبت از خود

*رفتار مسئولانه

*پذیرفتن پیامدها

*رفتار اخلاقی

*نظر مثبت نسبت به خود

*بیان احساسات

۲. مهارت‌های مربوط به رفتار با دیگران

*احترام به دیگران

*نظر مثبت داشتن به دیگران

*کمک به دیگران

*وسایل خود و دیگران

*گفت و شنود با دیگران

*پذیرفتن مقررات

*مواجهه با تعارض

*بازی سازمان یافته

*بازی غیررسمی

*بحث جمعی

۳. مهارت‌های مربوط به محیط

*مراقبت از محیط

*طریقه رفت و آمد در محیط کانون

(ندامتگاه)

*رفتار در کلاس (جلسه آموزشی)

۴. مهارت‌های مربوط به کار و وظیفه

*سؤال کردن و پاسخ دادن

*کیفیت کار

*انجام دادن کار در برابر دیگران

*انجام وظیفه

برای هر دسته فرعی واکنش‌های مشخصی در نظر گرفته شده است. علاوه بر آموزش رفتارهای دسته‌های فوق، یک جلسه نیز در ابتدای کار، درباره معنا و مفهوم مهارت‌های اجتماعی و اهداف برنامه برگزار شد. روش آموزش به این ترتیب بود که ابتدا هر گزینه برای مددجویان توضیح داده می‌شد و بعد از آن مهارت مورد نظر توسط مربی روانشناس به صورت الگو اجرا می‌شد و بعد از آن مهارت مورد نظر با مشارکت مددجویان به نوبت تمرین می‌شد. در حین اجرای تمرین بازخوردهای لازم به مددجویان هم از طرف

اندازه می‌گیرد. این آزمون دارای ۱۲ خرده مقیاس است که نیمی از آنها برای سنجش سازگاری فردی^۳ و نیمی دیگر برای سنجش سازگاری اجتماعی^۴ هستند. در نتیجه اجرای آزمون به طور کلی ۱۵ نمره به ترتیب زیر به دست می‌آید:

الف. در زمینه سازش فردی ۶ نمره به ترتیب زیر به دست می‌آید:

اعتماد به نفس (A۱)، درک ارزش خویش (B۱)، آزادی فردی (C۱)، احساس وابستگی (D۱)، تمایلات واپس زده (E۱)، نشانگان عصبی (F۱) و یک نمره به عنوان سازگاری فردی که از مجموع اینها به دست می‌آید.

ب. در زمینه سازش اجتماعی ۶ نمره به ترتیب زیر به دست می‌آید:

قالبه‌های اجتماعی (A۲)، مهارتهای اجتماعی (B۲)، علائق ضداجتماعی (C۲)، روابط خانوادگی (D۲)، روابط مدرسه‌ای (E۲)، روابط اجتماعی (F۲) و یک نمره به عنوان سازگاری اجتماعی که از مجموع اینها به دست می‌آید.

ج. یک نمره کل که از ترکیب دو نمره سازگاری فردی و سازش اجتماعی به دست می‌آید.

شرکت کنندگان و هم از طرف مربی روانشناس داده می‌شد. همچنین، برای تمرین بیشتر مهارت در هر جلسه تکلیفی هم به مددجویان ارائه می‌شد و آنها موظف بودند تکالیف را انجام بدهند و در جلسه بعدی نیز نتایج تکالیف و مشکلات احتمالی در حین انجام تکلیف را گزارش می‌کردند. یک هفته پس از آخرین جلسه آموزش مهارتهای اجتماعی (متغیر مستقل) هر دو گروه مجدداً مورد پس آزمون قرار گرفتند.

ابزار اندازه‌گیری

در این پژوهش برای اندازه‌گیری سازگاری فردی- اجتماعی از آزمون شخصیت سنج کالیفرنیا^۱ (CTP) فرم ۱۶-۹ ساله استفاده شده است. این آزمون توسط کلارک^۲ و همکاران در سال ۱۹۵۳ به منظور سنجش سازشهای مختلف زندگی که دارای دو قطب سازش فردی و سازش اجتماعی است تهیه شده است که دارای ۱۸۰ سؤال دو گزینه‌ای (از نوع بلی یا خیر) است. هیچ یک از عوامل این آزمون حالت کاملاً اختصاصی ندارد و هر یک از آنها در واقع طبقه‌ای از فرایندهای خاص مانند احساس کردن و عمل کردن را

^۳ - individual adjustment

^۴ - social adjustment

^۱ - California Test of Personality

^۲ - Klarck

در پژوهش حاضر ضرایب پایایی حیطه‌های مختلف آزمون از طریق آلفای کرونباخ مورد محاسبه قرار گرفت که در جدول ۱ درج شده‌اند. همان طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، به جز ضرایب پایایی قالب‌های اجتماعی و تمایلات واپس‌زاده شده که پایین هستند مابقی ضرایب پایایی مناسب می‌باشند.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در دو بخش: الف. توصیفی و ب. فرضیه‌های پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرند.

جدول ۱. ضرایب پایایی حیطه‌های مختلف آزمون شخصیت سنج کالیفرنیا (CTP)

حیطه‌های آزمون (CTP)	ضریب پایایی
اعتماد به نفس	۰/۷۵
درک ارزش خویش	۰/۷۰
آزادی فردی	۰/۶۳
احساس وابستگی	۰/۷۷
تمایلات واپس‌زده	۰/۳۶
نشانیگان عصبی	۰/۶۱
سازگاری فردی	۰/۸۸
قابلیت‌های اجتماعی	۰/۱۰
مهارت‌های اجتماعی	۰/۶۳
علائق ضداجتماعی	۰/۵۶
روابط خانوادگی	۰/۶۵
روابط مدرسه‌ای	۰/۶۲
روابط اجتماعی	۰/۶۰
سازگاری اجتماعی	۰/۷۵
سازگاری کلی	۰/۸۹

جدول ۲. میانگین، انحراف معیار و نمره‌های تفاضل و تعداد افراد در ارتباط با انواع سازگاری (فردی، اجتماعی و کلی) در نوجوانان بزهکار

نمونه			آزمایش			گواه			کل نمونه		
شخصه‌های آماری	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تعداد	میانگین
سازگاری فردی	۲۰	۴۴/۹۵	۱۰/۰۷	۲۰	-۴/۵	۱۳/۴۸	۴۰	۰۲۰/۲۲	۲۷/۶۶		
سازگاری اجتماعی	۲۰	۴۴/۹۵	۱۲/۴۰	۲۰	-۵/۸۵	۱۳	۴۰	۱۹/۵۵	۲۸/۶۱		
کل سازگاری	۲۰	۸۹/۹۰	۱۲/۲۲	۲۰	-۱/۳۵	۲۵/۲۷	۴۰	۳۹/۷۷	۵۵/۵۶		

الف. یافته‌های توصیفی تحقیق

در این بخش، به توصیف میانگین، انحراف معیار و نمره‌های تفاضل پیش آزمون و پس آزمون متغیرهای وابسته (خرده مقیاسهای

مربوط به خرده مقیاس آزادی فردی است و کمترین نمره تفاضل در همین گروه برابر با ۶/۷، مربوط به خرده مقیاس تمایلات واپس‌زنی است. انحراف معیار نمره‌های آزمودنیهای گروه آزمایشی در پیش آزمون و پس آزمون به مراتب کمتر از انحراف معیار گروه گواه است، همان طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود انحراف معیار کل سازگاری فردی در پیش آزمون و پس آزمون برای نوجوانان بزهکار گروه آزمایشی به ترتیب برابر با ۹/۷۵ و ۴/۰۶، و برای گروه گواه ۱۵/۶۳ و ۱۰/۲۸ می‌باشند. بررسی نمره‌های تفاضل میان پیش آزمون و پس آزمون گروه گواه نشان می‌دهد که نمره‌های سازگاری فردی آزمودنیهای گروه گواه در مراحل پیش آزمون و پس آزمون تغییر محسوسی نکرده‌اند.

سازگاری فردی و اجتماعی) برای گروه آزمایش و گواه پرداخته می‌شود.

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، میانگین و انحراف معیار گروه آزمایشی در کل سازگاری ۸۹/۹۰ و ۲۰/۲۲، در گروه گواه ۱۰/۳۵- و ۲۵/۲۷ و در گروه آزمایش می‌باشد. همچنین، میانگین و انحراف معیار گروه آزمایشی در سازگاری فردی ۴۴/۹۵ و ۱۰/۰۷، در گروه گواه ۴/۵۰- و ۱۳/۴۸، در کل نمونه ۲۰/۲۲ و ۲۷/۶۶؛ میانگین و انحراف معیار در سازگاری اجتماعی ۴۴/۹۵ و ۱۲/۴۰، در گروه گواه ۵/۸۵- و ۱۳ و در کل نمونه ۱۹/۵۵ و ۲۸/۶۱ به دست آمده است.

همان طور که در جدول شماره ۳ ملاحظه می‌شود بیشترین نمره تفاضل پیش آزمون و پس آزمون در گروه آزمایشی برابر با ۸/۳۵،

جدول ۳. میانگین، انحراف معیار و تفاضل نمره‌های پیش آزمون- پس آزمون در سازگاری فردی برای گروهها

گروهها	آماره	میانگین		انحراف معیار		تفاضل
		پس آزمون	پس آزمون	پس آزمون	پس آزمون	
آزمایش	موقعیت	پس آزمون	پس آزمون	پس آزمون	پس آزمون	تفاضل پیش آزمون و پس آزمون
	خرده مقیاسهای سازگاری فردی	پس آزمون	پس آزمون	پس آزمون	پس آزمون	تفاضل پیش آزمون و پس آزمون
	عزت نفس	۵/۲۰	۱۲/۷	۲/۲۵	۱/۱۷	۷/۵
	درک ارزش خویش	۵/۱۵	۱۲/۵۵	۲/۰۶	۱/۴۷	۷/۴
	آزادی فردی	۴/۸۵	۱۳/۲	۲/۳۲	۰/۸۹	۸/۳۵
	احساس وابستگی	۴/۷۰	۱۲/۲	۱/۵۲	۱/۱۵	۷/۵
	تمایلات واپس‌زاده	۴/۷۵	۱۱/۴۵	۲/۱۹	۰/۸۳	۶/۷
	نشانیگان عصبی	۵/۰۵	۱۲/۵۵	۲/۲۱	۱/۲۳	۷/۵
نمره کل سازگاری فردی	۲۹/۷	۷۴/۶۵	۹/۷۵	۴/۰۶	۴۴/۹۵	

عزت نفس	۵/۸۵	۴/۹	۳/۷۹	۲/۴۷	-۰/۹۵
درک ارزش خویش	۵/۹۵	۵	۳/۲۸	۲/۵۳	-۰/۹۵
آزادی فردی	۶/۱۵	۵	۴/۲۸	۲/۲۹	-۱/۱۵
احساس وابستگی	۶/۱۰	۵/۰۵	۱/۶۴	۳/۴۳	-۱/۰۵
تمایلات واپس‌زده	۴/۹۵	۵/۰۵	۳/۶۹	۱/۷۳	۰/۱۰
نشانگان عصبی	۵/۲	۴/۷	۳/۳۳	۲	-۰/۵
نمره کل سازگاری فردی	۳۴/۲	۲۹/۷	۱۵/۶۳	۱۰/۲۸	-۴/۵

و کمترین نمره تفاضل در همین گروه برابر با ۶/۰۵، مربوط به خرده مقیاس مهارت‌های اجتماعی است. انحراف معیار کل سازگاری اجتماعی در پیش آزمون و پس آزمون برای نوجوانان بزهکار گروه آزمایشی به ترتیب برابر با ۱۲/۳۳ و ۶/۰۶، و برای گروه گواه ۱۱/۴۵ و ۸/۰۷ می‌باشد. بررسی نمره‌های تفاضل میان پیش آزمون و پس آزمون گروه

در جدول شماره ۴ میانگین، انحراف معیار و تفاضل نمره‌های پیش آزمون و پس آزمون در سازگاری اجتماعی برای گروه آزمایشی و گواه ارایه می‌شود.

همان طور که در جدول شماره ۴ ملاحظه می‌گردد بیشترین نمره تفاضل پیش آزمون و پس آزمون در گروه آزمایشی برابر با ۸/۸۵، مربوط به خرده مقیاس روابط خانوادگی است

جدول ۴. میانگین، انحراف معیار و تفاضل نمره‌های پیش آزمون- پس آزمون در سازگاری اجتماعی برای گروه آزمایش و گواه

گروهها	آماره	میانگین		انحراف معیار		تفاضل
		پیش آزمون	پس آزمون	پیش آزمون	پس آزمون	
آزمایش	موقعیت	پیش آزمون	پس آزمون	پیش آزمون	پس آزمون	تفاضل پیش آزمون و پس آزمون
	خرده مقیاس‌های سازگاری فردی	۶/۳۰	۱۲/۳۵	۳/۴۷	۱/۲۷	۶/۰۵
	مهارت‌های اجتماعی	۴/۹۵	۱۳/۲	۳	۱/۵۸	۸/۲۵
	قابلهای اجتماعی	۵/۰۵	۱۱/۶۵	۲/۴۴	۰/۸۱	۶/۶
	علايق ضداجتماعی	۰۵۵	۱۳/۹	۲/۷۴	۱/۲۱	۸/۸۵
	روابط خانوادگی	۵/۶	۱۳/۷	۲/۶	۲/۷۴	۸/۱
	روابط مدرسه‌ای	۵/۵	۱۲/۶	۱/۹۹	۲/۱۶	۷/۱
روابط اجتماعی						

۴۴/۹۵	۶/۰۶	۱۲/۳۲	۷۷/۴۰	۳۲/۴۵	نمره کل سازگاری اجتماعی	
-۱/۲۵	۲/۲۶	۳/۰۲	۵/۹۵	۷/۲	مهارت‌های اجتماعی	گواه
-۰/۸۵	۳/۱۰	۲/۴۵	۵/۴۵	۶/۳	قابلهای اجتماعی	
-۱/۲۵	۱/۵۳	۲/۸۶	۴/۸۵	۶/۱	علايق ضداجتماعی	
-۰/۴	۱/۸۲	۲/۵۳	۵/۴	۵/۸	روابط خانوادگی	
-۱/۲	۲/۰۴	۲/۳۷	۵/۴۵	۵/۶۵	روابط مدرسه‌ای	
-۰/۹	۱/۸۴	۲/۵۳	۵/۸۵	۶/۷۵	روابط اجتماعی	
-۵/۸۵	۸/۰۷	۱۱/۴۵	۳۲/۹۵	۳۸/۸	نمره کل سازگاری اجتماعی	

حداقل در یک متغیر وابسته با یک دیگر تفاوت معنی‌داری دارند. بنابراین، نتایج حاصل از تحلیل چندمتغیری، این فرضیه کلی پژوهش را که آموزش مهارت‌های زندگی باعث افزایش میزان سازگاری فردی- اجتماعی نوجوانان بزهکار می‌شود مورد تأیید قرار می‌دهد. اندازه اثر ناشی از اعمال آزمایشی (آموزش مهارت‌های زندگی) در بهبود سازگاری فردی- اجتماعی نوجوانان بزهکار برابر با $(R^2=0/907)$ است که در واقع بخش اعظم تغییرپذیری نمره‌های سازگاری فردی- اجتماعی آزمودنیها را تبیین می‌کند. شایان ذکر است که سهم ضریب عدم تعیین اندک است $(R^2=0/093)$. بدین لحاظ این میزان از اندازه اثر، گواه آن است که آموزش مهارت‌های زندگی در بهبود سازگاری فردی- اجتماعی از اهمیت بسزایی برخوردار است.

در ادامه تحلیل واریانس چندمتغیری، به منظور تحلیل تفاضل پیش آزمون- پس

گواه نشان می‌دهد که نمره‌های سازگاری اجتماعی آزمودنیهای این گروه در مراحل پیش آزمون و پس آزمون به جزء نمره کل سازگاری اجتماعی (به میزان $0/85-$) تغییر محسوسی نکرده‌اند.

ب. یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش برای بررسی معنی‌داری تفاوت بین گروهها، در ابتدا به طور همزمان نمره‌های تفاضل پس آزمون و پیش آزمون دوازده خرده مقیاس آزمون سازگاری فردی- اجتماعی کالیفرنیا در گروههای آزمایشی و گواه مورد تحلیل واریانس چندمتغیری قرار گرفتند. جدول شماره ۵ نتایج این تحلیل را نشان می‌دهد.

همان طور که از جدول ۵ می‌توان استنباط می‌شود؛ گروههای دخیل در آزمون در سطح $P > 0/0001$ تفاوت معنی‌داری دست کم در یک خرده مقیاس سازگاری فردی- اجتماعی با یک دیگر دارند. بدین معنا که دو گروه

جدول ۵. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) ۱۲ خرده مقیاس آزمون سازگاری فردی - اجتماعی کالیفرنیا بین گروه آزمایش و گواه

آزمون	مقدار	F	df فرضیه	df اشتباه	سطح معنی داری
Pillais	۰/۹۰۷	۲۱/۸۶	۱۲	۲۷	۰/۰۰۰۰۱
Hotelling	۹/۷۲۰	۲۱/۸۶	۱۲	۲۷	۰/۰۰۰۰۱
Wilks	۰/۰۹۳	۲۱/۸۶	۱۲	۲۷	۰/۰۰۰۰۱
Roy's Largest Root	۹/۷۲	۲۱/۸۶	۱۲	۲۷	۰/۰۰۰۰۱

همان طور که در جدول شماره ۶ ملاحظه می‌شود گروه آزمایشی و گواه از لحاظ تمام خرده مقیاس‌های سازگاری فردی (CPI اعتماد به نفس، درک ارزش خویش، آزادی فردی، احساس وابستگی، تمایلات واپس‌زده و نشانگان عصبی) در سطح $P > ۰/۰۰۰۱$ با یکدیگر تفاوت معنی‌داری دارند. به عبارت دیگر، آموزش مهارت‌های زندگی باعث بهبود سازگاری فردی نوجوانان بزهکار شده است.

آزمون در ۱۲ خرده مقیاس سازگاری فردی - اجتماعی میان گروه آزمایشی و گواه از نتایج تحلیل واریانس تک متغیری که متعاقب تحلیل چندمتغیری ارائه می‌شود، استفاده گردید. در جدول شماره ۶ نتایج حاصل از مقایسه خرده مقیاس‌های سازگاری فردی میان گروه آزمایشی و گواه را با استفاده از روش تحلیل واریانس ارائه می‌نماید.

از جدول ۶. نتایج تحلیل واریانس مربوط به تفاضل پیش آزمون - پس آزمون خرده مقیاس‌های آزمون سازگاری فردی میان گروهها

متغیرها	منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	P سطح معنی داری
اعتماد به نفس	بین گروهی	۷۱۴/۰۲۵	۱	۷۱۴/۰۲۵	۹۰/۴۵	۰/۰۰۰۱
	درون گروهی	۲۹۹/۹۵	۳۸	۷/۸۹	-	-
	مجموع	۱۰۱۳/۹۷	۳۹	-	-	-
درک ارزش خویش	بین گروهی	۶۹۷/۲۲	۱	۶۹۷/۲۲	۴۵/۳۲	۰/۰۰۰۱
	درون گروهی	۳۵۱/۷۵	۳۸	۹/۲۵	-	-
	مجموع	۱۰۴۸/۹۷۵	۳۹	-	-	-
آزادی فردی	بین گروهی	۹۰۲/۵	۱	۹۰۲/۵	۱۲۷/۴۴	۰/۰۰۰۱
	درون گروهی	۲۶۹/۱	۳۸	۷/۰۸۲	-	-

-	-	-	۳۹	۱۱۷۱/۶	مجموع	
۰/۰۰۰۱	۸۲/۱۹	۷۳۱/۰۲۵	۱	۷۳۱/۰۲۵	بین گروهی	احساس وابستگی فردی
-	-	۸/۸۹	۳۸	۳۳۷/۹۵	درون گروهی	
-	-	-	۳۹	۱۰۶۸/۹۷	مجموع	
۰/۰۰۰۱	۱۷۶/۰۹	۴۳۵/۶	۱	۵۳۴/۶	بین گروهی	تمایلات واپس زده فردی
-	-	۲/۴۷	۳۸	۹۴	درون گروهی	
-	-	-	۳۹	۵۲۹/۶	مجموع	
۰/۰۰۰۱	۹۷/۲۸	۶۴۰	۱	۶۴۰	بین گروهی	نشانه‌گان عصبی
-	-	۶/۵۷	۳۸	۲۵۰	درون گروهی	
-	-	-	۳۹	۸۹۰	مجموع	

آموزش مهارت‌های زندگی در بهبود سازگاری اجتماعی نوجوانان بزه‌کار مؤثر بوده است. بیشترین و کمترین مقدار F به ترتیب برابر با ۱۴۱/۷۶ و ۶۱/۹۸ مربوط به خرده مقیاس‌های روابط خانوادگی و مهارت‌های اجتماعی می‌باشند. بدین لحاظ، تحلیل تک متغیری واریانس، فرضیه‌های ششگانه خرده مقیاس‌های سازگاری اجتماعی را (از لحاظ آماری) مورد تأیید قرار می‌دهد. شایان ذکر است، با توجه به اینکه اندازه اثر ناشی از تحلیل چندمتغیری مورد توجه بوده است نیازی به مقایسه نمره کلی سازگاری فردی و اجتماعی میان گروهها نمی‌باشد. ذکر این نکته لازم است که استفاده تحلیل واریانس تک متغیری به جای آزمون t گروههای مستقل به این دلیل بوده است که مقادیر مجموع مجذورات بین گروهی و کل در اختیار باشد. زیرا اندازه اثر را می‌توان برای هر یک از متغیرهای وابسته، از تقسیم مجموع

بیشترین مقدار F، برابر با ۱۷۶/۰۹ مربوط به خرده مقیاس تمایلات واپس زده و کمترین مقدار F، برابر با ۷۵/۳۲ مربوط به درک ارزش خویش است، بنابراین تحلیل تک متغیری واریانس، فرضیه‌های ششگانه خرده مقیاس‌های سازگاری فردی را (از لحاظ آماری) مورد تأیید قرار می‌دهد. در جدول شماره ۷ نتایج حاصل از مقایسه خرده مقیاس‌های سازگاری اجتماعی (CPI) میان گروه آزمایشی و گواه را با استفاده از روش تحلیل واریانس ارایه می‌نماید.

همان طور که در جدول شماره ۷ مشاهده می‌گردد گروه آزمایشی و گواه از لحاظ تمام خرده مقیاس‌های سازگاری اجتماعی (CPI) (مهارت‌های اجتماعی، قالب‌های اجتماعی، علایق ضداجتماعی، روابط خانوادگی، روابط مدرسه‌ای و روابط اجتماعی) در سطح $P > 0/0001$ با یکدیگر تفاوت معنی‌داری دارند. به عبارت دیگر، می‌توان استنباط کرد که

تعریف، پیامدی است که به جای تقویت رفتار باعث تضعیف آن می‌شود. به این ترتیب، به جای توجه به سرکوب رفتارهای نامطلوب، توجه ما بیشتر معطوف به وجود آوردن و تحکیم رفتارهای جدید و مورد تأیید جامعه در نوجوانانی است که دستگیر و به بزهکاری محکوم شده‌اند (منصور، ۱۳۶۸). این پژوهش

مجذورات بین گروهی بر مجموع مجذورات کل به دست آورد.

بحث و نتیجه‌گیری

بیان و تبیین بزهکاری نوجوانان بر حسب کمبودهای رفتاری و همچنین، اصلاح و درمان این قبیل رفتارها در نوجوانان و جوانان نباید با استفاده از روشهای معمول مبتنی بر تنبیه باشد. از طریق تنبیه هرگز نمی‌توان مهارت‌های تازه‌ای به فرد تعلیم داد؛ زیرا تنبیه، طبق

جدول ۷. نتایج تحلیل واریانس مربوط به تفاضل پیش آزمون- پس آزمون خرده مقیاسهای آزمون سازگاری اجتماعی

(CPI) میان گروهها

متغیرها	منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	P سطح معنی داری
مهارت‌های اجتماعی	بین گروهی	۵۳۲/۹	۱	۵۳۲/۹	۶۱/۹۸	۰/۰۰۰۱
	درون گروهی	۳۲۶/۷	۳۸	۸/۵۹	-	-
	مجموع	۸۵۹/۶	۳۹	-	-	-
قابلیت‌های اجتماعی	بین گروهی	۸۲۸/۱	۱	۸۲۸/۱	۷۱/۴۶	۰/۰۰۰۱
	درون گروهی	۴۴۰/۳	۳۸	۱۱/۵۸	-	-
	مجموع	۱۲۶۸/۴	۳۹	-	-	-
علاقه ضد اجتماعی	بین گروهی	۶۱۶/۲۲	۱	۶۱۶/۲۲	۷۲/۵۹	۰/۰۰۰۱
	درون گروهی	۳۲۲/۵۵	۳۸	۸/۴۸	-	-
	مجموع	۹۳۸/۷۷	۳۹	-	-	-
روابط خانوادگی	بین گروهی	۸۵۵/۶۲	۱	۸۵۵/۶۲	۱۴۱/۷۶	۰/۰۰۰۱
	درون گروهی	۲۲۹/۳۵	۳۸	۶/۰۳۶	-	-
	مجموع	۱۰۸۴/۹۷	۳۹	-	-	-
روابط مدرسه‌ای	بین گروهی	۸۶۴/۹	۱	۸۶۴/۹	۶۳/۸۱	۰/۰۰۰۱
	درون گروهی	۵۰۱	۳۸	۱۳/۵۵	-	-
	مجموع	۱۳۷۹/۹	۳۹	-	-	-
روابط اجتماعی	بین گروهی	۶۴۰	۱	۶۴۰	۱۳۶/۹۳	۰/۰۰۰۱
	درون گروهی	۱۷۷/۶	۳۸	۴/۶۷	-	-
	مجموع	۸۱۷/۶	۳۹	-	-	-

برای مشکلات عاطفی- رفتاری کودکان و همین طور اختلالات سازگاری آنها، به کار برده بودند نیز هماهنگ است .

از بررسی نتایج جداول ۶ و ۷ می‌توان استنباط کرد که میان گروه آزمایشی و گواه از لحاظ ۱۲ خرده مقیاس سازگاری فردی- اجتماعی کالیفرنیا (CTP) در سطح $P < 0/0001$ تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بنابراین، دوازده فرضیه فرعی پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرند. به عبارت ساده‌تر، می‌توان اظهار داشت که آموزش مهارت‌های زندگی بر تمام خرده مقیاس‌های سازگاری فردی و اجتماعی نوجوانان بزهکار اثر مثبت داشته است. از این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که اشاعه آموزش مهارت‌های زندگی در جامعه، می‌تواند احساس ارزشمندی و اعتماد به نفس را در جوانان به وجود آورد و آنها را از آسیب‌های اجتماعی مصون نگه دارد .

با توجه به یافته‌های فوق، با اطمینان می‌توان گفت که تغییرات ایجاد شده در نمره‌های آزمودنیها در حیطه‌های مختلف آزمون CTP در اثر ارائه متغیر مستقل، یعنی؛ آموزش مهارت‌های اجتماعی بوده است .

اما در مورد پایداری تأثیرات آموزش ارائه شده نمی‌توان به این سادگی قضاوت کرد و به مطالعات طولی بیشتری نیاز است. در این

در این راستا و با هدف بررسی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر سازگاری فردی- اجتماعی بزهکاران انجام شده است که یافته‌های آن به صورت خلاصه به شرح زیر است :

۱. فرضیه اول پژوهش به شرح زیر بود: آموزش مهارت‌های اجتماعی باعث بهبود سازگاری فردی- اجتماعی (۱۲ حیطه سازگاری فردی- اجتماعی) در نوجوانان بزهکار می‌شود که با استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیری مورد آزمون قرار گرفت و این فرضیه چندگانه مورد تأیید واقع شد که نشان دهنده تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی می‌باشد .

این نتیجه با یافته‌های پژوهشگران دیگر که چنین برنامه‌ای را بر روی نوجوانان بزهکار پیاده کرده بودند، از جمله اسپنس و ماریزیر (۱۹۸۱)، گلیک و گلدشتاین^۱ (۱۹۸۱) و مشیوراتان^۲ (۱۹۸۸) همسو می‌باشد. همین طور با یافته‌های پژوهشگران دیگر از جمله ثابتی و شهنی‌بیلاق (۱۳۷۷)، سخندان توماج (۱۳۸۰) و فروغ الدین عدل (۱۳۷۲) که آموزش مهارت‌های اجتماعی را به عنوان درمانی

^۱ - Geliek & Goldstein

^۲ - Meshyraton

کاربرد تربیتی یافته‌ها

از یافته‌های پژوهش می‌توان در موارد زیر استفاده کرد:

۱. در کانونهای اصلاح و تربیت می‌توان برنامه‌ای برای آموزش مهارت‌های اجتماعی تنظیم نمود که مریدان با گذراندن یک دوره آموزشی کوتاه مدت بتوانند این مهارت‌ها را به مددجویان بزهکار آموزش دهند. در مدتی که پژوهشگر در میان این جمع رفت و آمد داشت کمبود مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی را هم در مددجویان کانون و گاهی هم در مسئولان کانون به وضوح مشاهده و لمس کرد.

۲. در مدارس هم می‌توان از یافته‌های این پژوهش استفاده کرد. به این ترتیب که معلمان و مشاوران مدارس با فراگرفتن آموزش‌های مختصر در این زمینه، می‌توانند به دانش‌آموزان کمک قابل توجهی ارائه دهند.

۳. همچنین از یافته‌های این پژوهش می‌توان در مراکز آموزش کودکان استثنائی که نیاز به آموزش‌های ویژه دارند استفاده کرد.

۴. مراکز خدمات روانشناسی و روانپزشکی کودکان و مراکز مشاوره از یافته‌های این پژوهش به خصوص از آموزش مهارت‌های اجتماعی به عنوان یک روش درمانی در درمان اختلالات سازگاری و رفتاری کودکان و نوجوانان می‌توانند استفاده می‌کنند.

پژوهش که در آن پس از آزمون پس از یک هفته اجرا شد آموزش ارائه شده پایداری نشان داد. از آنجایی که پایداری یک رفتار یا مهارت آموخته شده به پیامدهای آن بستگی دارد، اگر پیامدها مثبت باشند، رفتار یا مهارت تثبیت می‌شود و اگر پیامدها منفی باشند، رفتار یا مهارت آموخته شده رفته رفته خاموش می‌شود. پایداری این نتایج نیز به پیامدهای آن بستگی خواهد داشت.

نتیجه نهایی

یافته‌های پژوهش به ما می‌گوید که آموزش مهارت‌های اجتماعی سازگاری نوجوانان بزهکار را افزایش می‌دهد. اصولاً رفتار ناسازگارانه زمانی از طرف فرد نشان داده می‌شود که فرد موقعیت موجود را به عنوان تهدیدی برای سلامتی خود قلمداد نماید. بنابراین، ایجاد موقعیتی اطمینان بخش برای افراد به آنها کمک می‌کند که رفتارهای سازگارانه از خود بروز دهند. بر این اساس، در جلسات آموزشی این پژوهش سعی شد که چنین جوی ایجاد شود.

با توجه به یافته‌های دیگر پژوهش‌های مطالعه شده نیز می‌توان پیشنهاد کرد که آموزش مهارت‌های اجتماعی به عنوان یک رویکرد مداخله‌ای در درمان ناسازگاریهای کودکان و نوجوانان مؤثر است.

در تحقیقات بعدی با مددجویان مؤنث نیز انجام شود .

۳. پیشنهاد می‌شود آموزش مهارت‌های اجتماعی به صورت یک برنامه منظم و مدون به مددجویان آموزش داده شود .

۴. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابهی با دوره‌های پی‌گیری بلندمدت‌تر و با انواع دیگر برنامه‌های آموزش مهارت‌های اجتماعی انجام شود .

۵. پیشنهاد می‌شود برنامه آموزش مهارت‌های اجتماعی برای پیش‌گیری از وقوع رفتارهای ناسازگارانه و بزهکارانه و همین‌طور آموزش ارتباطات اجتماعی مناسب به دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی و تمام پایه‌های دوره راهنمایی تحصیلی به صورت کلاس‌های فوق برنامه و یا به صورت کلاس‌های پرورشی در مدارس توسط مربیان آموزش دیده تدریس شود .

محدودیت‌های پژوهش

این پژوهش در اجرا با محدودیت‌هایی رو به رو بوده است که در زیر تعدادی از آنها آورده می‌شود :

پژوهش فقط جنس مذکر را در بر می‌گیرد لذا به جنس مؤنث قابل تعمیم نیست .

با توجه به اینکه پژوهش در محیط کانون که یک محیط زندان است ارائه شد و دیگر اینکه مددجویان فکر می‌کردند این آموزش نیز مثل آموزش‌های دیگر از سوی مسئولان زندان ارائه می‌شود در جلسات اولیه آموزش از همکاری و شرکت دریغ می‌ورزیدند .

قابل تعمیم بودن نتایج این پژوهش فقط به یک زندان .

پیشنهادها

۱. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابهی در مناطق دیگر کشور در کانون‌های اصلاح و تربیت و ندامتگاه انجام شود تا بتوان در مورد اثربخش بودن این روش قضاوت بهتری انجام داد .

۲. از آنجایی که این پژوهش فقط در مورد مددجویان مذکر انجام شد پیشنهاد می‌شود که

منابع

فارسی

- احمدی، سیداحمد (۱۳۷۷). روانشناسی نوجوانان و جوانان. اصفهان: نشر نخستین، چاپ هفتم .
- ثابتی، فهیمه و شهنی‌بیلاق، منیجه (۱۳۷۷). تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی در کاهش ناسازگاری‌های اجتماعی - عاطفی دانش‌آموزان پسر ناسازگار دبستانی اهواز. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران، دوره سوم، سال پنجم، شماره‌های ۳ و ۴ صص: ۱۶-۱ .
- خجسته‌مهر، غلامرضا (۱۳۷۳). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی نوجوانان بینا و نابینا. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران، دوره سوم، سال اول شماره‌های ۲ و ۳ .
- سخندان توماج، رسول (۱۳۸۰). بررسی اثربخشی آموزش گروهی مهارت‌های اجتماعی بر مشکلات رفتاری - عاطفی کودکان دبستانی شهرستان گنبد کاووس. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه اصفهان، چاپ نشده .
- فرگاس، جوزف، پی () . روانشناسی تعامل اجتماعی. ترجمه: خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت (۱۳۷۹). تهران: انتشارات ابجد .
- فروغ الدین عدل، ا (۱۳۷۲). تأثیر به کارگیری روش آموزش مهارت‌های اجتماعی در بهبود رفتارهای اخلاص‌گراانه کودکان. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، انستیتو روانپزشکی تهران، چاپ نشده .

کارتلج، جی؛ میلبرن، اف (۱۳۶۹). آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان. ترجمه: محمدحسین نظری‌نژاد. انتشارات آستان قدس .

لیندزی، اس. جی. ئی؛ پاول، جی. ئی (۱۹۹۴). روانشناسی بالینی بزرگسالان. ترجمه: محمدرضا نائینیان (۱۳۷۸). تهران: انتشارات درج .

ماسن، هنری (۱۳۷۲). رشد و شخصیت کودک. ترجمه: مهشید یاسایی. تهران: نشر مرکز .

منصور، محمود (۱۳۶۸). زمینه بررسی بزهکاری کودکان و نوجوانان. تهران ؛ انتشارات چهره، چاپ سوم .

هارجی، اون. ساندرز، کریستین و دیکسون، دیوید (۱۹۹۴). مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی. ترجمه: خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت (۱۳۷۷). تهران: انتشارات رشد .

هربرت، مارتین (۱۹۷۶). روانشناسی بالینی کودک. ترجمه: مهرداد فیروزبخت (۱۳۷۸). انتشارات شناخت .

لاتین

- Adedapo, V.L. (1999). The effects of social skills training on the socially appropriate and anti social behaviors of elementary students with serious emotional disorders, Ph.D. Dissertation in Ohio State University, Non Published.
- Arthur, M.W. & Kuperminc, G.P. (1991). Social skills predictors of adolescent antisocial behavior. Available in <http://www.google.com>.
- Bell, S. (1999). The application of a formal social skills training program to enhance the social skills of group of learning disabled adolescents. Psy. Dissertation in California school of professional psychology, Non Published.
- Cairns, R.B., Leung, M., Buchanan, L. & Cairns, B.D. (1995). Friendships and social network in children and adolescence. Fluidity, reliability and interrelations, *Child Development*, 66(5): 1330-1343.
- Chimienti, G & Trilivas, S. (1995). Cognitive and behavioral effects of social skills training on Greek and Lebanese elementary school children. *International Journal of Mental health*, 23(4): 53-68.
- Cowen, E.L., Pederson, A., Babigon, H., Izzo, L.B. & Trost, M.A. (1973). Long term followup of early detected vulnerable children. *Journal of counseling and clinical psychology*, 13(4): 106-128.
- Deniels, A.J. (1990). Social skills training of primary age children, *Educational Psychology in practice*, 6(3): 159-162.
- Finch, M.K. (1998). Social skills training for preadolescents with problem behaviors, Ph.D. Dissertation in university of Illinois a Chicago.
- Gersham, F.M. & Elliot, S.N. (1984). Assessment and classification of children's social skills. *School Psychology Rivew*, 13: 192-301.
- Grasha, A. & Kirshenboum, D. (1985). *Adjustment and competence: conceptions and application*, New York: west publishing company.
- Husson, D.N. (1996). Efficacy of social skills training in the improvement of childhood externalized disorder, psy. Dissertation in Miami inst: Non published.

Lyons, J. (2000). Effects of social skills training on self-perception in eight- to sixteen year- old outpatient clients, psy. Dissertation in university of Hartford. Non published.

Masters, J. (1991). Project KIND (Keeping Interfering Noncompliance Down): A social skills program for noncompliant primary students. Availble in www.google.com.

Morgan, V. & Pearson, S. (1994). Social skills training in a junior schoolsetting. *Educational Psychology in practice* 10(2): 99-108.

Ruff, M., Sells, B. & Golden, M. (1972). Social adjustment and personality development in children. Minneapolis University of Minneosota press.

Timberlak, T. (2000). A comprehensive approach to social skills training with Urban African- American adolescence. Ph.D. Dissertation in Temple university, Non published.

Verdyn, C.M., Lord, W. & Forrest, G.C. (1990). Social skills training in school: an evaluation study. *Journal of adolescence*, 13: 3-16.